

ابراهیم (ع) و آزمایش بزرگ

قسمت دوم

دکتر اسدالله مرادی

عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان



در قسمت پیشین گفته شد که تمام داستان‌های قرآن پر رمز و راز و شگفت‌انگیزند، از جمله داستان آفرینش انسان و اعتراض ملائک و سرپیچی ابلیس، داستان تولد مسیح، داستان اصحاب کهف و ... اما به نظر می‌آید داستان ابراهیم و ذبح فرزندش و داستان موسی و خضر شگفت‌انگیز ترند و نیز اینکه حساب خواب انبیا از خواب‌های دیگران جداساز و عرصه دینداری، عرصه ابتلا و آزمایش‌های دشوار است و در تربیت‌گریزی از ابتلا و آزمایش‌های سخت و دشوار نیست اما مهم این است که این آزمایش‌ها با باورهای قلبی و انگیزه‌های درونی همراه شود. هفت پیام از داستان حضرت ابراهیم (ع) را در شماره پیش برای شما نوشتیم و اینک ادامه پیام‌های داستان را می‌خوانیم.

را امر کرده فرزندش را قربانی کند و گر نه صرف اینکه خواب دیده فرزندش را قربانی می‌کند دلیل بر آن نیست که کشتن فرزند برایش جایز باشد. پس در حقیقت امری که در خواب به او شده به صورت نتیجه امر برابری ممتل شده و به همین جهت چنین مطلبی را فهمیده، فرزندش را امتحان کرده تا ببیند او چه جوابی می‌دهد.»

۱۰ کیرک‌گارد، فیلسوف اگزیستانسیالیست دانمارکی، نظر جالب و تأمل‌برانگیزی در خصوص ماجرای ابراهیم و ذبح فرزندش دارد. او این پرسش مهم را مطرح می‌کند که «چرا وقتی خدا به ابراهیم فرمان قربانی کردن فرزند خود را داد حتی برای یک لحظه هم به ذهن ابراهیم و فرزندش خطور نکرد که این فرمان

معنا نداشت و مفهوم نبود. از این نکته می‌توان دریافت که نظرخواهی و تکریم و احترام به نظر متربی و فراگیر در سن نوجوانی و جوانی می‌تواند یکی از ارکان تربیت ما در خانه و مدرسه باشد، به‌خصوص که ما در اندیشهٔ تعلیم و تربیت دینی نیز هستیم.

۹ علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، با بیان روشنگری در خصوص تعبیر «فانظر ماذا تری» می‌گوید: «کلمهٔ «تری» در اینجا به معنای «می‌بینی» نیست بلکه از مادهٔ «رأی» به معنای اعتقاد است؛ یعنی چه نظر می‌دهی؟ می‌خواسته بفرماید: تو دربارهٔ سرنوشت خودت فکر کن و تصمیم بگیر و تکلیف مرا روشن ساز. و این جمله خود دلیل است بر اینکه ابراهیم (ع) در رویای خود فهمیده که خدای تعالی او

با این گفت‌و شنود فکری و عاطفی میان ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) به خوبی آشنا هستیم:

قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ. (صافات/ ۱۰۲)

[ابراهیم] گفت ای پسر عزیز! همانا به خواب می‌بینم که تو را ذبح می‌کنم. پس بنگر [که در این کار] نظر تو چیست؟

از چند منظر این گفت‌وگو می‌تواند برای ما درس آموز باشد. اکثر مفسران بر این باورند که اسماعیل در آن هنگامه نوجوانی سیزده ساله بوده و ابراهیم با اینکه از نظر دینی برایش مسلم شده بود که مأمور به ذبح فرزند شده باز با نوجوان خود مشورت نموده و نظر او را جویا می‌شود. آشکار است که اگر اسماعیل طفلی چهار پنج ساله بود این نظرخواهی از او، ظاهراً، دیگر



مخالف با وجدان اخلاقی و عقل است؟» سپس می‌گوید: «زیرا ابراهیم و فرزندش در مقام عشق بودند و به مقتضای عشق عمل کردند و خدمت به معشوق و دل‌سپردگی به معشوق فراتر از قواعد اخلاقی و عقلی است.» از نظر کیرکگارد دینداری اصیل و رای ادراک اخلاقی و عقلانی است؛ و ایمان یک ماجرای خطرناکیز و نوعی خطر کردن و سرسپردگی است که اوج آن «جهش ایمانی» است. ایمان حرکت با شور و شوق است به سوی سعادت ابدی، ایمان یک نوع نسبت حضوری و شهودی در پیشگاه خداوند است.

به باور کیرکگارد پیامبران و عرفا در سپهر عشق می‌زیستند و اقتضای عشق به خدا، عشق به انسان‌هاست و انسان در صورتی به آستانه عشق می‌رسد که این عشق از محبت باطنی بجوشد و میوه آن، خیرخواهی به سرنوشت انسان‌هاست که در سه ساحت رفتاری عدالت و احسان و شفقت به هم‌نوعان خود تجلی پیدا می‌کند.

در آموزه‌های حکمای اسلامی نیز این قاعده آمده است: «مَنْ أَحَبَّ شَيْئًا أَحَبَّ آثَارَهُ» یعنی هر کس چیزی را دوست داشته باشد، آنچه را نیز از آن چیز صادر می‌شود دوست خواهد داشت. سعدی هم می‌گوید:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست
عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست.

در قرآن نیز حضرت رسول (ص) به این وصف دل‌انگیز توصیف شده است: «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»

(انبیاء/ ۱۰۷) و چه نسبت لطیفی است میان خدای «رَبِّ الْعَالَمِينَ» و رسول «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» اش. و خداوند حکیم در مقام دلجویی از پیامبرش می‌فرماید: مبادا از اینکه [مشرکان] ایمان نمی‌آورند جان خود را از شدت اندوه به هلاکت افکنی: لَعَلَّكَ بَاخِعٌ

نَفْسِكَ إِلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (شعرا/ ۳) و نیز در اینکه پیامبرش از جنس مردم است و غمخوار رنج‌هایشان، آمده است: وَ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ (توبه/ ۱۲۸) یعنی: قطعاً برای شما پیامبری از میان خودتان آمده است که هرگونه رنجی به شما رسد بر او گران آید [به هدایت و رستگاری شما] دل‌بسته است و نسبت به مؤمنان شفیق و مهربان است.

همه این‌ها حکایتگر آن است که داستان هدایت و تربیت در مکتب پیامبران و عارفان، فراتر از اخلاق، با عشق و شفقت پیوندی ژرف خورده است؛ توگویی اکسیر محبت و عشق در تربیت معجزه می‌کند و از محبت و مهرورزی است که، به قول مولانا، تلخ‌ها شیرین و مس‌ها زرین می‌شود.

این نظر کیرکگارد قرابت‌های زیادی با نظر مولانا در این موضوع دارد. داستان ابراهیم و اسماعیل برای مولانا بسیار الهام‌بخش و الگوساز است و مولانا عید واقعی را عید قربان می‌داند.

همچون اسماعیل پیشش سر بنه
شاد و خندان پیش تیغش جان بده
من چو اسماعیلیانم بی‌حذر
بل چو اسمعیل آزادم ز سر
فارغم از طمطراق و از ریا
قل تعالوا گفت جانم را بیا

دیوان مثنوی

دشمن خویشیم و یار آنکه ما را می‌کشد
غرق دریاییم و ما را موج دریا می‌کشد
زان چنین خندان و خوش‌ماجان شیرین‌می‌دهیم
کان ملک ما را به شهید و قند و حلوا می‌کشد
نیست عزرائیل را دست و رهی بر عاشقان
عاشقان عشق را هم عشق و سودا می‌کشد
خویش فربه می‌نماییم از بی قربان عید
کان قصاب عاشقان بس خوب و زیبا می‌کشد
دیوان شمس تبریزی

تعبیر لطیف و درس‌آموز «فَانظُرْ ماذا تری» (پس بنگر نظرت در این کار چیست؟) چه به جهت فرم و شکل و فرآیند، چه به جهت معنا و محتوا و مضمون، می‌تواند یکی از اصل‌ها و پایه‌های بنیادین تربیتی ما در خانه و مدرسه و دانشگاه باشد. قرار است فرزندان و دانش‌آموزان و دانشجویان ما از سن نوجوانی به بعد، خود انتخاب کنند، انتخاب دوست و رفیق، انتخاب رشته تحصیلی، انتخاب دانشگاه و محل تحصیل، انتخاب شغل و محل کار، انتخاب همسر و شریک زندگی...، شایسته است در همه موارد فوق، در کنار نسل جوان و همراه با آنان وارد گفت‌وگو و دیالوگ شویم و حتی اگر نظر خود را صددرصد بر حق می‌دانیم باز دوستانه و فروتنانه و ابراهیم‌وار از فرزند خود بپرسیم «فانظر ماذا تری» و از این رهگذر «آزادی و مسئولیت‌پذیری» را به او بیاموزیم تا نرم‌نرمک با جانش یگانه شود.

امروزه یکی از چالش‌های مهم تربیتی ما این است که فرزندانمان برای انتخاب‌های خود آزادی کامل طلب می‌کنند اما به مسئولیت‌های خطیر این انتخاب کمتر توجه دارند. برای مثال می‌خواهند در یک فضای کاملاً آزاد همسر خویش را انتخاب کنند اما چه بسا اتفاق می‌افتد که بعد از چند ماه کارشان به آسانی به جدایی و طلاق می‌کشد یا کلی آسیب‌ها و خسارت‌های مادی و عاطفی و روانی. فرزندان ما به این مسئله توجه ندارند که آزادی باری است گران، بل گران‌بارترین است، و آزادی مطلق به معنای مسئولیت‌پذیری کامل است. البته از حق نگذریم ما هم نتوانسته‌ایم نسخه‌ای مفید و تأثیرگذار از آزادی و مسئولیت‌پذیری را در خانه و مدرسه پیاده کنیم.